

حادثه

شلیک مرگ بار به همسر سابق

● شرق: مردی که همسر دومش را بعد از جدایی با شلیک گلوله به قتل رسانده است، به زودی در دادگاه

کیفری استان تهران پای میز محاکمه می‌رود.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده قتل این زن قرار است در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شود. بر اساس محتویات پرونده، یک سال قبل جسد زن جوانی در ماشینش کشف شد. مأموران بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی و آغاز تحقیقات متوجه شدند این زن جوان از مدتی قبل با همسر سابقش درگیری داشته. با شناسایی مرد جوان او باذات‌شد و به قتل همسر سابقش اعتراف کرد. مرد جوان به نام شروین گفت: سال‌ها قبل با زنی ازدواج کردم و از او صاحب فرزند شدم، اما همسرمد دچار بیماری ام‌اس شد. ۱۱سال از همسرم مراقبت کردم و هنوز هم همسر من است و از او مراقبت می‌کنم، اما از آنجایی که رابطه ما تحت‌تأثیر بیماری همسرم قرار گرفته بود و من خیلی احساس تنهایی می‌کردم، وقتی با لاله آشنا شدم به او دل بستم. لاله هم از همسرش جدا شده بود. مدتی او را به صورت صیغه‌ای عقد خودم کردم. وقتی مدت صیغه تمام شد، به او پیشنهاد دادم عقد دائم کنیم و او هم قبول کرد. من به خواستگاری‌اش رقوم و خیلی محترمانه او را به عقد خودم درآوردم و خانواده‌اش هم در جریان بودند. لاله قبل از من با فردی ازدواج کرده و جدا شده بود و از او بچه داشت. مدت کوتاهی از عقد دائم ما گذشت‌ه بود که لاله درخواست کرد از من جدا شود. من برایش همه امکانات را فراهم کرده بودم و حتی امکاناتی را که همسر اولم نداشت برای لاله آماده کرده بودم، برایش ماشین و خانه خریدم، اما او گفت درخواست جدایی دارد. ما هیچ دعوا و درگیری‌ای نداشتیم. من گفتم باید توضیح بدهد چرا خواجم جدایی استم. او گفت پسرش تنها مانده و مجبور است به همسر اولش رجوع کند، چون پسرش اذیت می‌شود. من هم قبول کردم و جدا شدیم، اما مدتی بعد فهمیدم که او دروغ گفته و با فردی که از آشنایان من بود رابطه برقرار کرده است و بعد که تحقیق کردم فهمیدم این رابطه به مدت‌ها قبل و زمانی که همسرم بوده برمی‌گردد. به همین دلیل هم تصمیم به قتل گرفتم و در فرصت مناسب وقتی در ماشینی بود که من برایش خریده بودم، به او شلیک کردم و او را به قتل رساندم. با پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهم به زودی پای میز محاکمه می‌رود.



شرق: رسیدگی به پرونده محمدعلی نجفی در دادگاه کیفری یک استان تهران همچنان ادامه دارد و او روز چهارشنبه بار دیگر به دادگاه منتقل خواهد شد تا در برابر اتهام قتل از خودش دفاع کند. در جلسه اول دادگاه کیفرخواست علیه متهم خوانده شد. بخشی از کیفرخواست صادره از سوی دادسرای جنایی تهران به بررسی شخصیت محمدعلی نجفی اختصاص دارد. این بخش از کیفرخواست در زیر آمده است:

پرونده شخصیت

در راستای ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری برای متهم پرونده شخصیت تشکیل گردید. متهم محمدعلی نجفی، متولد سال ۱۳۳۰ در شهر تهران، استاد دانشگاه و مدیر ارشد سیاسی کشور بوده است. او دارای مدرک کارشناسی از دانشگاه شریف و کارشناسی ارشد از دانشگاه MIT آمریکا است. او از بنیان‌گذاران حزب کارگزاران سازندگی و از اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بوده است. متهم در دوران کاری

خود مشاغلی کلیدی را عهده‌دار بوده است همچون:

- رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان (۱۳۵۹- ۱۳۶۰)
- وزیر فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۶۰-۱۳۶۴).
- معاون آموزشی فرهنگی صدا و سیما (۱۳۶۵-۱۳۴۷)
- وزیر آموزش و پرورش (۱۳۶۷-۱۳۷۶)
- معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶-۱۳۷۹)
- رئیس سازمان میراث فرهنگی (سال ۱۳۹۲).
- سرپرست وزارت علوم (سال ۱۳۹۳)
- عضو شورای شهر تهران (۱۳۸۶-۱۳۹۲)

۹- در سال ۱۳۹۶ به عنوان شهردار تهران.

متهم نجفی در ۲۱ فروردین سال ۱۳۹۷ از شهرداری تهران استعفا داد و علت آن را ابتلا به بیماری جدید عنوان کرد. پس از این استعفا، کمتر سخنی از نجفی به میان آمد تا اینکه در ۷ خرداد ۱۳۹۸، همسر دوم او خانم میترا استاد در خانه‌اش به ضرب گلوله کشته شد. ساعاتی پس از این واقعه، نجفی در اداره پلیس تهران حاضر شد و به قتل همسرش اعتراف کرد. او دلیل این قتل را اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

مشاورانه متاهل و دارای یک فرزند دختر به نام زهرا ۳۴ساله از همسر اول خود می‌باشد. فاقد سابقه کیفری می‌باشد و از لحاظ وضعیت مالی

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

حوادث

پرونده «شخصیت» محمدعلی نجفی به روایت کیفرخواست

در وضعیت نسبتاً خوبی به سر می‌برد و از لحاظ شخصیتی، فردی آرام و

متین می‌باشد و همیشه لیخنه به لب می‌باشد که همین چهره خندان وی در تحقیقات و بازجویی مورد انتقاد برخی از افراد قرار گرفته بود. پس از ازدواج دوم با مقتوله یک فقره اقدام به خودکشی ناموفق در هتل لاله با خوردن ۲۰ عدد قرص کلونازپام در سال ۱۳۹۷ می‌نماید که به بیمارستان شهید رجایی منتقل که نجات پیدا می‌نماید که انگیزه وی همین مشکلات خانوادگی و شرایط جنجالی زندگی بسا مقتوله بوده است. حتی به اعتراف خود قصد خودکشی دو نفره با مرحومه را به پیشنهاد مرحومه داشته‌اند. در روز قتل نیز پس از ارتکاب قتل قصد خودکشی داشته‌اند که منصرف می‌شوند و خود را تسلیم می‌نمایند.آنچه حائز اهمیت است، نه گرایش‌های سیاسی متهم، بلکه توانایی‌های ذاتی او به عنوان یک مدیر عالی‌رتبه کشور است. یک انسان با چنین اوصاف در مقطعی از زمان، مرتکب یک قتل می‌شود. این جمله نه عجیب است و نه غافلگیرکننده چه بسیار انسان‌هایی که در هر برهه از تاریخ و هر نقطه از جهان دست به چنین عمل مجرمانه‌ای زده‌اند. تاریخ بشر همواره با جرم و جنایت پیوندی دیرینه داشته است. بی‌شک هر انسان (چه در جایگاه قاتل و چه در جایگاه مقتول) دارای ابعاد شخصیتی و اجتماعی متنوع و پیچیده‌ای است. گاه یک نویسنده است، گاه همسر یک فوتبالیست معروف، گاه یک درجده‌ار نظامی، گاه یک شهروند معمولی و گاه یک وزیر.

همه این ابعاد اجتماعی می‌توانند در انگیزه‌های جنایت سهیم باشند و دامنه نظریات و فرضیات را گسترده کنند. اما آنچه در چپیده تاریخ مانده است و آنچه نه‌شنین تمام این جنایات است به این جمله ختم می‌شود: هیچ انسانی از احتمال ارتکاب به جرم میرا نیست. این‌بدان معانی است که یک انسان، قیل از هر منصب سیاسی یا اجتماعی‌اش، یک انسان است. او روزی عاشق می‌شود و روز دیگر مجنون. روزی به دست می‌آورد و روزی دیگر همچون باد از دست می‌دهد. روز دوست می‌دارد و روزی نفرت. روزی پرچمدار صلح است و روزی دیگر مانه را می‌کشد.

اگرچه این تناقض نمی‌تواند عامه انسان‌ها را شامل شود چراکه محدودیت‌های نظارتی، امنیتی، تمدن و تفکر اجازه بروز اعمال منفی را به هر شهروندی نمی‌دهد اما تاریخ ثابت کرده است که عامل اصلی

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم



جرم، دسترسی به ابزار جرم است و چه بسا محمدعلی نجفی همسرش را نمی‌کشت اگر در خانه‌اش اسلحه‌ای پنهان نکرده بود!

از آنجایی که برخی از افراد و گروه‌های سیاسی درصدد رفع اتهام از متهم به واسطه خدشه به شخصیت همسرش هستند باید متذکر شد که سیاه‌نمایی از شخصیت مقتول هیچ دردی را دوا نمی‌کند. القای لقب «پرستو» به یک زنی که دیگر بین ما نیست اوج بی‌انصافی و بی‌اخلاقی است شواهد پرونده همچون روز روشن است که این قتل حادثه‌ای خانوادگی و دور از هر جریان سیاسی بوده و عقل سلیم حکم می‌کند به جای افتراهای سیاسی و جاسوسی و فرار به جلو، ریشه تناقضات ذهنی و آسیب‌های روانی یک مدیر اینچینی را بررسی کنیم چراکه اختلافات زناشویی و خانوادگی در کمین هر انسان بالغی اعم از مدیر و مسئول و دانشمند و هنرمند نشسته است.

انگیزه قتل در نجفی عمیق است این قتل ماحصل یک ضربه آتی یا یک شلیک بی اختیار نیست. پنج شلیک پیاپی حکایت از اختیاری تام و میل به بقین در ذهن قاتل دارد. اینکه پایان زندگی مقتول منتج به کدام ماجرای قاتل بوده است فعلا پرسشی است بی‌جواب و شاید برای همیشه در هاله‌ای از ابهام بماند، لیکن آنچه افکار عمومی را به بازی گرفته است جنک برخی احزاب و سیاسیون در شوت‌کردن ماهیت انگیزه قتل به زمین همدگر است. در این روز‌ها هرکس جامه‌ای به مصلحت خویش بر تن عریان و خسته متهم دوخته است. گویا همه منتظر چنین فرصتی بودند تا افکار خود را از زبان یک انسان باخته فریاد کنند. محمدعلی نجفی قبل از آنکه یک سیاست‌مدار متعلق به چپ یا راست باشد، انسانی متعلق به زمین و آسمان است. جای دادن زوری انگیزه او در چنته سیاست اندیشیدن به خصایص انسانی‌اش را سلب می‌کند و وای بر ما اگر انسان بودن انسانی را فراموش کنیم یا پشت مشاغل و مناصب پنهان‌ش کنیم! آن زمان است که از یاد می‌بریم که چه بسا خودمان نیز از چنین سرنوشتی میرا نباشیم، چه بسا خود ما نیز ممکن است به دست آوریم، پذیرفته شویم، ناگهان طرد شویم، خسته شویم، مجنون شویم و سرانجام وسوسه شویم که ماشه را بکشیم. «اگر امروز به جای سیاست به حقیقت بیندیشیم، احتمالاً روزی از وسوسه کشیدن یک ماشه در امان بمانیم…».

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم

فرزندشان تعرض کرده است. آنها گفتند: فرزندانم